



Lifestyle pathology with emphasis on body management studies in Iran

Samaneh Sadat Sadidpour 

Department of Sociology of Social Issues in Iran, Kharazmi University, Tehran, Iran

Received: 2023/12/31

Received in revised form: 2024/02/10

Accepted: 2024/03/08

Published: 2024/03/29

Abstract

Achieving scientific development also requires effort, and this will not be achieved unless the research status is examined and the scientific assessment of the status of researchers is accompanied. The present study aims to examine the pathological lifestyle of body management studies in Iran, with reference to Ritzer's sociological reality. This meta-analysis reviews 65 studies. This study is a quantitative-qualitative meta-analysis. Qualitative meta-analysis is used based on Ritzer's theory to answer two questions, and quantitative meta-analysis is used to identify the most influential factors under study in relation to body management. Content analysis technique is used in the qualitative part and effect size examination is used in the quantitative part. The results of the study showed that in the studies under study, the prominent view was mainly one-sided and focused on women. The heterogeneity test of gender, religiosity, body image, socio-economic status, media consumption, and personality disorder is confirmed. This heterogeneity shows that it is necessary to examine appropriate intervening variables. Among them, only the homogeneity test of the relationship between cultural capital and body management was confirmed. The results also indicate shortcomings in the field of body management studies in Iran. It is also possible to point out the necessity of indexing body management according to religious-national teachings.

Keywords: Bureaucracy, Seljuqs, Culture, Educational System, Military.

Cite as: Sadidpour, S.S. (2024). Lifestyle pathology with emphasis on body management studies in Iran. *Sociology of lifestyle*. 9 (1): 58-82. <https://doi.org/10.22034/sls.2024.19365>

Owner and Publisher: University of Tabriz, Tabriz, Iran.

ISSN (online): 2645-5641

Access Type: Open Access



آسیب‌شناسی سبک زندگی با تأکید بر مطالعات مدیریت بدن در ایران

سما نه سادات سدیدپور^{*۱}

۱. گروه جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰

چکیده

دستیابی به توسعه علمی نیز نیازمند تلاش است و این حاصل نمی‌شود مگر با بررسی وضعیت پژوهشی و ارزیابی علمی وضعیت پژوهشگران همراه خواهد بود. پژوهش حاضر با هدف بررسی آسیب‌شناسانه سبک زندگی مطالعات مدیریت بدن در ایران با توجه به واقعیت جامعه شناختی ریتزر مطالعه می‌کند. این فراتحلیل ۶۵ مطالعه را مرور می‌کند. این مطالعه یک فراتحلیل کمی - کیفی است از فراتحلیل کیفی با استناد به نظریه ریتزر برای پاسخ به دو پرسش و نیز از فراتحلیل کمی برای تشخیص پراثرترین عوامل مورد بررسی در ارتباط با مدیریت بدن استفاده می‌شود. تکنیک تحلیل محتوا در بخش کیفی و بررسی اندازه اثر در بخش کمی کاربرد دارد. نتایج پژوهش نشان داد در مطالعات مورد بررسی، نگاه برجسته عمدتاً یک سوپیه و معطوف به زنان بوده است. آزمون غیر همگنی جنسیت، دینداری، تصویر بدنی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، مصرف رسانه ای و اختلال شخصیت تأیید می‌شود. این غیر همگنی نشان می‌دهد بررسی متغیرهای مداخله‌گر مناسب ضرورت دارد. در این میان تنها همگنی آزمون رابطه سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن تأیید شد. نتایج همچنین حاکی از کاستی‌هایی در زمینه مطالعات مدیریت بدن در ایران است. همچنین می‌توان به ضرورت شاخص‌سازی مدیریت بدن با توجه به آموزه‌های دینی - ملی اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت بدن، سبک زندگی، واقعیت اجتماعی، ریتزر.

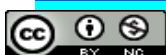
نحوه ارجاع: سدیدپور، س.س. (۱۴۰۳). "آسیب‌شناسی سبک زندگی با تأکید بر مطالعات مدیریت بدن در ایران". *جامعه‌شناسی و سبک زندگی*. ۹(۱): ۵۸-۸۲.

<https://doi.org/10.22034/sls.2024.19365>

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

شاپای الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۶۴۱

نوع دسترسی: آزاد



مدیریت بدن و تصویر بدنی در دهه‌های اخیر به یکی از موضوعات مهم در علوم اجتماعی و به‌ویژه جامعه‌شناسی بدن تبدیل شده است. در این میان، تحلیل سبک زندگی (سبک زندگی) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا نشان‌دهنده نحوه مدیریت بدن در بستر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. در واقع، سبک زندگی به عنوان الگوی رفتاری و اجتماعی افراد، شامل مجموعه‌ای از انتخاب‌ها، نگرش‌ها و اعمال است که بر اساس استانداردهای اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد و به‌طور مستقیم بر بدن و تصویر بدنی فرد تأثیر می‌گذارد. نظریه‌های اجتماعی در عصر مدرن، مدیریت بدن را بازتابی از شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌دانند که در سطوح مختلف خرد و کلان به نمایش گذاشته می‌شود. در این چارچوب، بدن به‌عنوان بستری برای بازتولید و بازنمایی ارزش‌های اجتماعی، هنجارهای فرهنگی و پایگاه‌های اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. از دیدگاه نظریه واقعیت خرد و کلان ریتزر، مدیریت بدن در سطح خرد به انتخاب‌های فردی و رفتارهای روزمره افراد مرتبط است. این سطح شامل تصمیم‌گیری‌های مرتبط با رژیم غذایی، ورزش، جراحی زیبایی و دیگر فعالیت‌هایی است که افراد برای تطابق با استانداردهای اجتماعی انجام می‌دهند. این رفتارها تحت تأثیر عوامل ذهنی همچون نگرش‌ها، باورها و ترجیحات فردی قرار دارند. در مقابل، سطح کلان بیانگر تأثیرات ساختاری جامعه بر مدیریت بدن است. این سطح شامل فشارهای اجتماعی ناشی از رسانه‌ها، تبلیغات تجاری و فرهنگ غالب است که استانداردهای زیبایی را تعریف و تحمیل می‌کنند. به‌عنوان مثال، دسترسی به امکانات و منابعی مانند باشگاه‌های ورزشی، مشاوران تغذیه و آموزش‌های سلامت به‌طور مستقیم با پایگاه اجتماعی-اقتصادی فرد مرتبط است. (Ritzer, 2011)

در ایران، این موضوع با انتشار کتاب "تاریخ جنسیت" میشل فوکو و توجه به جامعه‌شناسی بدن قوت گرفت. فوکو تأکید می‌کند که بدن نه تنها تحت تأثیر قدرت‌های اجتماعی است بلکه به‌عنوان ابزاری برای نمایش هویت فردی و اجتماعی عمل می‌کند. این مسئله در تحلیل سبک زندگی ایرانیان نیز نمایان است، جایی که بدن به‌عنوان یک نماد فرهنگی و اجتماعی، بخشی از سبک زندگی افراد و خانواده‌ها به شمار می‌آید و به‌ویژه در انتخاب‌های زیبایی، پوشش و تعاملات اجتماعی خود را نشان می‌دهد. در جامعه کنونی ایران، مدیریت بدن عنصری فرهنگی و نمادی اجتماعی است که تحت تأثیر استانداردهای زیبایی، نحوه کنترل و مدیریت ظاهر را تعیین می‌کند. افراد برای دستیابی به زیبایی فرهنگی ایده‌آل و حفظ آن، ظاهر خود را مدیریت می‌کنند (فریدمن و باف، ۱۹۹۰). این مسئله نه تنها در سبک زندگی فردی، بلکه در چرخه‌های اجتماعی و فرهنگی متأثر از آن به‌ویژه در بین زنان، نقش ویژه‌ای دارد. به‌طور مثال، مدیریت بدن در زنان ایران به‌عنوان یک انتخاب فرهنگی در سبک زندگی آنان تعریف می‌شود و در بسیاری از موارد به‌عنوان نماد نیکویی و احترام در جامعه مطرح می‌شود.

مطالعات اخیر در ایران نشان می‌دهند که مدیریت بدن به‌عنوان ابزاری برای بازتولید سلسله‌مراتب‌های اجتماعی عمل می‌کند. بر اساس نظریه‌های اجتماعی، به‌ویژه نظریه سرمایه فرهنگی پیر بوردیو، بدن به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی در موقعیت‌های مختلف به کار گرفته می‌شود. این امر به‌ویژه در جوامعی که نابرابری‌های جنسیتی وجود دارد، مشهود است؛ جایی که بدن زنان بیشتر از مردان تحت نظارت و ارزیابی قرار می‌گیرد. حساسیت بیش‌ازحد به ظاهر می‌تواند منجر به مشکلاتی مانند بی‌نظمی‌های تغذیه‌ای، کاهش اعتمادبه‌نفس و آسیب‌های جسمی شود. این روند در ساختارهای اجتماعی که هنجارهای فرهنگی و زیبایی تحت تأثیر تبلیغات تجاری و رسانه‌ای قرار دارند، به‌وضوح قابل مشاهده است. فشارهای اجتماعی و رسانه‌ای، به‌ویژه در مورد زنان، انتظارات فزاینده‌ای درباره بدن و ظاهر ایجاد می‌کنند.

پژوهش‌های جدیدتر نشان می‌دهند که استفاده گسترده از شبکه‌های اجتماعی در ایران، حساسیت‌های مرتبط با بدن را تشدید کرده است. شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان فضایی برای نمایش بدن و انتخاب‌های زیبایی، نقشی محوری در شکل‌دهی

سبک زندگی و هویت‌های اجتماعی ایفا می‌کنند. در این بستر، افراد تلاش می‌کنند تا بدن خود را با استانداردهای جدید زیبایی تطبیق دهند؛ امری که به‌ویژه در میان زنان ایرانی که با فشارهای اجتماعی مضاعف مواجه‌اند، بیشتر دیده می‌شود. (Rezaei, Nasab & Fotuhi, 2015)

این تغییرات در نحوه مدیریت بدن و سبک زندگی فردی در جامعه ایران نشان‌دهنده تأثیرات قدرت، رسانه‌ها و استانداردهای زیبایی است که تحت تأثیر سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی در حال تغییر است. به‌طور خلاصه، سبک زندگی در ایران، به‌ویژه در مورد بدن و مدیریت آن، یک پدیده پیچیده است که به‌طور هم‌زمان تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قرار دارد و تبیین آن نیازمند بررسی‌های دقیق‌تر در حوزه جامعه‌شناسی بدن و سبک زندگی است. لذا این مطالعه مطالعه پدیده‌های اجتماعی مرتبط با مدیریت بدن در ایران، به‌عنوان یکی از موضوعات پیچیده و چندوجهی، نیازمند بهره‌گیری از نظریه‌های مختلف برای تحلیل دقیق‌تر است. یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحلیلی در این حوزه، نظریه ریتزر است که در استفاده از پیوستارهای کلان-خرد و عینی-ذهنی به تبیین واقعیت‌های اجتماعی کمک می‌کند. در این چارچوب، پیوستار کلان-خرد به معنای تأثیرات متقابل پدیده‌های اجتماعی در سطح کلان (مانند فرهنگ‌ها، گروه‌های اجتماعی و سیاست‌ها) و در سطح خرد (رفتار فردی و تجربیات شخصی) است. علاوه بر این، پیوستار عینی-ذهنی به تمایز میان واقعیت‌های مادی و تجربیات ذهنی انسان‌ها اشاره دارد که در تحلیل پدیده‌های اجتماعی باید هر دو بعد به‌طور هم‌زمان در نظر گرفته شود (Ritzer, 2021).

از دید این مطالعه، مدیریت بدن به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و فرهنگی از ابعاد مختلف قابل تحلیل است. با استفاده از نظریه‌های مختلف مانند دورکیم، بوردیو، گیدنز و فوکو، می‌توان به درک عمیق‌تری از نحوه تعامل فرهنگ‌ها، سیاست‌ها و هنجارهای اجتماعی در رابطه با بدن رسید. تحلیل واقعیت‌های اجتماعی مرتبط با "مطالعات مدیریت بدن در ایران" با توجه به نظریه ریتزر و پیوستارهای کلان-خرد و عینی-ذهنی، نشان‌دهنده پیچیدگی‌های اجتماعی و فرهنگی بدن در جوامع مدرن است.

جدول ۱: جایگاه مفهوم بدن از دیدگاه نظریه پردازان در نظریه ریتزر

نظریه پرداز	عینی - ذهنی	کلان - خرد
دورکیم	عینی	کلان
زیمل	عینی - ذهنی	خرد
بوردیو	ذهنی - عینی	خرد - کلان
الیاس	ذهنی - عینی	کلان
گیدنز	عینی	خرد
گافمن	عینی	خرد
ترنر	ذهنی	کلان
فوکو	ذهنی	کلان

پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی: مطالعات مدیریت بدن در ایران به لحاظ جامعه‌شناختی، به چه نکاتی بیشتر توجه داشته و دارای چه کاستی‌هایی است؟

پرسش‌های فرعی:

۱. پژوهشگران ایرانی در مطالعات مدیریت بدن، در چه سطحی از پیوستار نظری ریتزر (کلان- خرد / عینی - ذهنی) حرکت کرده‌اند؟

۲. ساختار مطالعات مدیریت بدن در پژوهش‌های داخلی چگونه است؟ (به لحاظ نظری، عوامل مؤثر مورد بررسی، حجم نمونه و مؤلفه‌های مدیریت بدن)

۳. عامل جنسیت در مطالعات مدیریت بدن در ایران، چه نقشی داشته است؟

روش‌شناسی

روش‌شناسی پژوهش حاضر بر پایه روش فراتحلیل کمی و کیفی مروری سیستماتیک استوار است. این روش به‌عنوان یک ابزار تحقیقی، امکانی فراهم می‌کند تا شکاف‌ها بین پژوهش‌های پیشین و عمل به‌طور دقیق‌تر مشخص شوند و نتایج حاصل از متون پژوهشی به‌صورت یک تلخیص مستند و معتبر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در این مطالعه، از رویکردی ترکیبی استفاده شده است که شامل بخش‌های کیفی و کمی می‌شود. در بخش کیفی، از روش فراتحلیل و در بخش کمی از تکنیک تحلیل محتوا بهره‌برداری شده است تا مطالعات مرتبط با مدیریت بدن به‌طور جامع مورد بازنگری قرار گیرند. شناسایی و انتخاب مقالات: در اولین گام، مقالات علمی و پژوهشی در حوزه مدیریت بدن انتخاب شدند. این انتخاب بر اساس معیار قابلیت استناد جهانی این مقالات صورت گرفت. به‌منظور جستجوی مقالات مرتبط، از منابع معتبر جستجوگر مقالات علمی مانند مگ ایران، سایت جهاد دانشگاهی و گوگل اسکولار استفاده شد. جستجو در این پایگاه‌ها با استفاده از عنوان و کلیدواژه‌های مرتبط با "مدیریت بدن" انجام گرفت تا مقالات مرتبط شناسایی شوند.

فهرست‌برداری و انتخاب مقالات: در گام دوم، فهرستی از مقالات مرتبط تهیه گردید. به این منظور، از مقالات علمی-پژوهشی که در نشریات علمی معتبر منتشر شده بودند، استفاده شد. تعداد ۶۵ مقاله از این نشریات به‌عنوان نمونه‌های قابل مقایسه و معرف موضع تحقیقاتی، انتخاب شدند. این مقالات، پیش از سال ۱۳۹۵ و با توجه به اهمیت موضوع "مدیریت بدن"، وارد مرحله تحلیل شدند. تحلیل و دسته‌بندی دستاوردهای مقالات: در مرحله سوم، دستاوردهای مقالات با توجه به پرسش‌های پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت. این تحلیل‌ها بر اساس نظریه ریتزر صورت پذیرفت و داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا طبقه‌بندی شدند. از این تحلیل‌ها برای شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مدیریت بدن استفاده شد. به‌منظور ارزیابی و تایید معناداری مطالعات مختلف، اندازه اثر (Effect Size) به‌عنوان ابزاری برای تعیین میزان تأثیر هر یک از عوامل شناسایی شده در مطالعات مختلف، به‌کار گرفته شد. در نهایت، با توجه به دستاوردهای به‌دست‌آمده از فراتحلیل و طبقه‌بندی محتوا، پژوهش حاضر توانسته است یک تصویر روشن از وضعیت مدیریت بدن در مطالعات مختلف فراهم آورد و ضمن شناسایی شکاف‌های موجود، به‌طور دقیق‌تر عوامل مؤثر را تحلیل کند.

ملاک‌های انتخاب مقالات: انتشار در نشریات معتبر علمی: تنها مقالات منتشرشده در مجلات علمی معتبر و دارای نمایه‌سازی بین‌المللی (مانند گوگل اسکولار و مگ ایران) وارد مطالعه شدند. تاریخ انتشار: مقالاتی که پیش از سال ۱۳۹۵ منتشر شده‌اند، برای تحلیل انتخاب شدند تا شامل اطلاعات بروز و قابل استناد باشند. دلیل انتخاب این سال در سال ۱۳۹۵، ایران در

حوزه جراحی‌های زیبایی شاهد رشد قابل توجهی بود و به رتبه بیستم جهانی از نظر تعداد جراحی‌های زیبایی دست یافت. این تغییرات برجسته در عرصه جراحی زیبایی ایران، نتیجه مجموعه‌ای از عواملی چون تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده است. براساس گزارش‌های انجمن بین‌المللی جراحی پلاستیک (ISAPS)، در این سال ایران یکی از کشورهای پیشرو در انجام جراحی‌های زیبایی محسوب می‌شد. (ISAPS, 2016) افزایش دسترسی به خدمات جراحی زیبایی و تبلیغات گسترده در رسانه‌ها، به‌ویژه در میان زنان، منجر به این تغییرات شد. (Agha, 2015) این افزایش تقاضا در جامعه ایران نه تنها در راستای استانداردهای زیبایی، بلکه تحت تأثیر تحولات فرهنگی و اجتماعی بود که بر نگرش افراد نسبت به ظاهر خود و جراحی‌های زیبایی تأثیر گذاشت (Mousavi & Chaghooshi, 2017). در واقع، سال ۱۳۹۵ به‌عنوان یک نقطه عطف در تاریخ جراحی‌های زیبایی ایران شناخته می‌شود، چرا که تعداد جراحی‌های زیبایی در این سال به‌طور چشمگیری افزایش یافت و ایران را در ردیف کشورهای پیشرو در این زمینه قرار داد. این روند در طول سال‌های بعد نیز ادامه یافت و در بسیاری از مطالعات بین‌المللی به‌ویژه توسط ISAPS، ثبت و مستند شد (ISAPS, 2016).

موضوع مرتبط: مقالاتی که مستقیماً به مدیریت بدن یا اجزای آن پرداخته‌اند و توانایی پاسخ به پرسش‌های پژوهش را دارند، انتخاب شدند.

اعتبار مقالات: هر مقاله از نظر روش‌شناسی، اعتبار علمی و صحت داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. مقالاتی که روش‌شناسی ضعیف یا نتایج غیرقابل اعتماد داشتند، از نمونه‌ها حذف شدند.

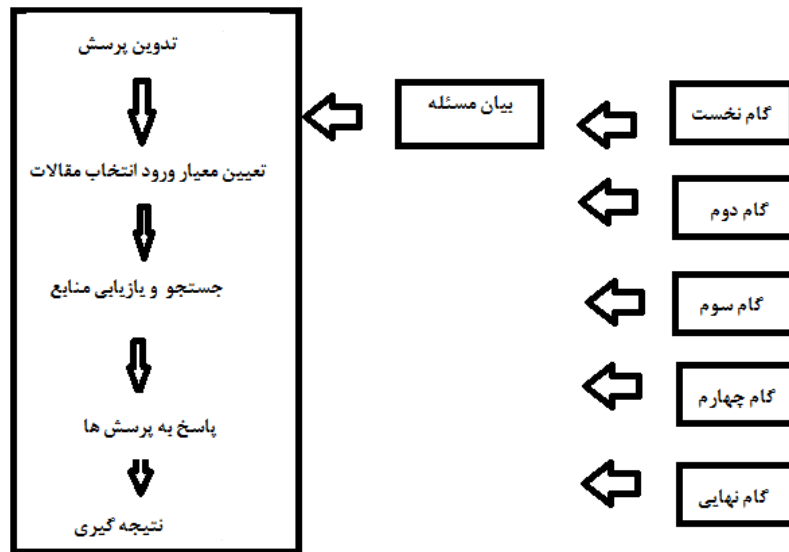
پذیرش در مجلات با ارزیابی داوری همتای علمی (Peer-Reviewed): تنها مقالاتی که در مجلات با فرآیند ارزیابی همتای علمی منتشر شده بودند، به عنوان منابع معتبر در نظر گرفته شدند.

اعتبار اندازه اثر (Effect Size): از اندازه اثر برای ارزیابی اثرگذاری و معناداری نتایج استفاده شد. این اندازه به‌عنوان معیاری برای بررسی شدت تأثیر هر یک از متغیرهای مورد مطالعه (مانند عوامل اجتماعی، فرهنگی، و روان‌شناختی) بر مدیریت بدن به‌کار گرفته شد.

خروجی و تجزیه و تحلیل داده‌ها: پس از جمع‌آوری مقالات منتخب و ارزیابی اعتبار آن‌ها، داده‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا بررسی و دسته‌بندی شدند. نتایج بدست‌آمده با توجه به نظریه ریتزر تحلیل شده و معناداری مقالات با استفاده از اندازه اثر مشخص گردید.

ملاک‌های خروج مقالات: مقالاتی که با معیارهای زیر هم‌خوانی نداشتند، از تحلیل‌ها حذف شدند: عدم ارتباط با موضوع مدیریت بدن، روش‌شناسی ضعیف و عدم قابلیت مقایسه و اعتبار نتایج.

ملاک‌های تعمیم‌پذیری: نتایج مطالعات بر اساس اعتبار و قابلیت تعمیم‌پذیری آن‌ها در سطح جهانی ارزیابی شدند و مطالعات انجام‌شده در کشورها و فرهنگ‌های مختلف با توجه به ویژگی‌های خاص جامعه‌شناختی و فرهنگی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفتند.



شکل ۱. مدل عملیاتی پژوهش

یافته‌ها

در ارتباط با مطالعات مدیریت بدن و سبک زندگی فردی بر اساس نظریه ریتز در این بخش دو نوع فراتحلیل کمی و کیفی انجام می‌گیرد تا به پرسش‌های مطرح شده پاسخ دهد. برای پاسخ به پرسش اصلی، پاسخ پرسش‌های فرعی را مطرح می‌کنیم:

سوال ۱ - پژوهشگران ایرانی در مطالعات مدیریت بدن، در چه سطحی (کلان- خرد / عینی - ذهنی) حرکت کرده‌اند؟ تحقیقات مربوط به مدیریت بدن و ارتباط آن با سطوح مختلف واقعیت اجتماعی نشان می‌دهد که عمده دغدغه‌های پژوهشگران در این حوزه، بیشتر معطوف به ابعاد ذهنی و کلان موضوع می‌باشد. این یافته‌ها از بررسی مطالعات موجود به وضوح نمایان است و می‌تواند نشانه‌ای از تمرکز پژوهش‌ها بر ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی پدیده مدیریت بدن باشد. در جدول شماره ۲، توزیع دغدغه‌ها به تفکیک سطوح واقعیت اجتماعی به صورت زیر مشاهده می‌شود:

جدول ۲: دغدغه پژوهشگران در مطالعه مدیریت بدن به تفکیک سطوح واقعیت اجتماعی

نمونه‌ها	درصد	فراوانی	سطح واقعیت
احساس رضایت افراد از خود با مدیریت بدن (به شیوه نادرست) - تلقی بدن به عنوان معرف هویتی	30.61%	15	واقعیت ذهنی
شیوع جراحی‌های زیبایی - افزایش وزن و چاقی	22.44%	11	واقعیت عینی
برداشت افراد از خویشتن خود - تأثیر پذیری زنان از مد - روان‌رنجوری زنان	22.44%	11	واقعیت خرد
الگو دار بودن رفتار زیبایی - افزایش مصرف مواد آرایشی و بهداشتی در ایران - کاهش فرزندآوری به منظور حفظ زیبایی بدن	24.48%	12	واقعیت کلان

در مجموع، این داده‌ها نشان‌دهنده این واقعیت است که مطالعات مدیریت بدن در سطوح ذهنی و کلان، به ویژه در ابعاد کلان، با چالش‌ها و ضعف‌هایی روبه‌رو هستند. به‌ویژه توجه به ابعاد کلان که شامل نگرش‌های اجتماعی گسترده‌تر مانند مصرف روزافزون مواد آرایشی و بهداشتی، یا تأثیرات فرهنگی و اقتصادی کاهش فرزندآوری برای حفظ زیبایی بدن است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

در این زمینه، نظریه ریتزر در خصوص جهانی‌شدن و تأثیر نهادهای اجتماعی و فرهنگی بر رفتارهای فردی و اجتماعی می‌تواند نقشی مهم ایفا کند. رفتارهایی همچون جراحی‌های زیبایی، شیوع چاقی، و تبلیغات گسترده محصولات آرایشی و بهداشتی در این سطح، نشان‌دهنده فرآیندهایی هستند که در سطح کلان، افراد را به سمت پذیرش استانداردهای زیبایی و هویت‌سازی بر مبنای بدن سوق می‌دهند. این روندهای اجتماعی و فرهنگی در جوامع مختلف، به‌ویژه در ایران، نشان از تأثیرات قابل توجه عوامل اجتماعی و اقتصادی بر رفتارهای فردی در زمینه مدیریت بدن دارند.

جدول ۳: بررسی محورهای مطالعه شده در زمینه مدیریت بدن به تفکیک سطوح واقعیت اجتماعی

موضوع	فراوانی	درصد
عینی - خرد	21	36.84%
ذهنی - خرد	11	19.29%
عینی - کلان	16	28.07%
ذهنی - کلان	9	15.78%
کل	57	100%

این داده‌ها نشان می‌دهد که بیشترین میزان توجه پژوهشگران در زمینه مدیریت بدن به محورهای عینی - خرد (۳۶٫۸۴٪) و عینی - کلان (۲۸٫۰۷٪) معطوف بوده است. در مقابل، توجه به ابعاد ذهنی - کلان (۱۵٫۷۸٪) و ذهنی - خرد (۱۹٫۲۹٪) نسبتاً کمتر بوده است. این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده غلبه نگرش‌های عینی و ملموس در مطالعه مدیریت بدن باشد، در حالی که ابعاد ذهنی و روانی این پدیده کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تحلیل این داده‌ها در قالب نظریه ریتزر، که به بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بر رفتارهای فردی می‌پردازد، نشان می‌دهد که در جوامع معاصر، تأکید بیشتر بر ابعاد عینی و اجتماعی پدیده‌های مختلف وجود دارد. در این راستا، مفهوم جهانی‌شدن و تأثیرات رسانه‌ها و تبلیغات اجتماعی در ایجاد استانداردهای زیبایی و مدیریت بدن، که به‌طور خاص در سطح کلان قابل مشاهده است، می‌تواند در شکل‌دهی این نگرش‌های عینی و اجتماعی نقش برجسته‌ای ایفا کند.

داده‌های جدول ۳ و جدول ۴ با توجه به تحلیل‌های انجام شده بر اساس سطوح مختلف واقعیت اجتماعی و نظریه ریتزر، نمایانگر روندها و الگوهای خاصی در تحقیقات مدیریت بدن هستند.

جدول ۳: بررسی محورهای مطالعه شده در زمینه مدیریت بدن به تفکیک سطوح واقعیت اجتماعی

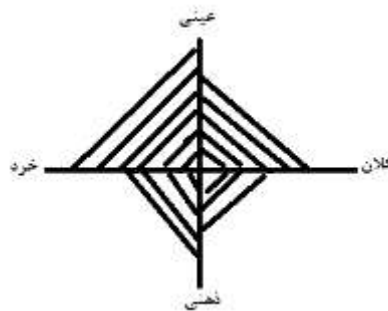
موضوع	فراوانی	درصد
عینی - خرد	21	36.84%
ذهنی - خرد	11	19.29%
عینی - کلان	16	28.07%
ذهنی - کلان	9	15.78%

مقاله پژوهشی

موضوع	فراوانی	درصد
کل	57	100%

این داده‌ها نشان می‌دهد که بیشترین میزان توجه پژوهشگران در زمینه مدیریت بدن به محورهای عینی - خرد (36.84%) و عینی - کلان (28.07%) معطوف بوده است. در مقابل، توجه به ابعاد ذهنی - کلان (15.78%) و ذهنی - خرد (19.29%) نسبتاً کمتر بوده است. این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده غلبه نگرش‌های عینی و ملموس در مطالعه مدیریت بدن باشد، در حالی که ابعاد ذهنی و روانی این پدیده کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

تحلیل این داده‌ها در قالب نظریه ریتزر، که به بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بر رفتارهای فردی می‌پردازد، نشان می‌دهد که در جوامع معاصر، تأکید بیشتر بر ابعاد عینی و اجتماعی پدیده‌های مختلف وجود دارد. در این راستا، مفهوم جهانی‌شدن و تأثیرات رسانه‌ها و تبلیغات اجتماعی در ایجاد استانداردهای زیبایی و مدیریت بدن، که به‌طور خاص در سطح کلان قابل مشاهده است، می‌تواند در شکل‌دهی این نگرش‌های عینی و اجتماعی نقش برجسته‌ای ایفا کند. در شکل زیر میزان توجه به هر یک از این سطوح واقعیت اجتماعی نشان داده شده است.



شکل ۳- سطوح واقعیت چهارگانه ریتزر در زمینه مدیریت بدن

جدول ۴: موضوعات مطالعه شده به تفکیک چهار سطح واقعیت اجتماعی بر حسب جنسیت پژوهشگران

سطح	مرد	زن	سطح دوگانه	مرد	زن
عینی	13 21.31%	25 41.66%	عینی - خرد	7 24.13%	14 50%
ذهنی	18 29.51%	6 10%	ذهنی - خرد	9 31.03%	2 7.14%
خرد	16 29.23%	17 28.33%	عینی - کلان	6 20.68%	10 35.71%
کلان	14 22.95%	12 20%	ذهنی - کلان	7 24.13%	2 7.14%

طبق داده‌های جدول ۴، نتایج نشان می‌دهد که پژوهشگران مرد در مقایسه با پژوهشگران زن، بیشتر به موضوعات کلان پرداخته‌اند (۲۲٫۹۵٪ در مقابل ۲۰٪). این توجه بیشتر به ابعاد کلان از منظر ریتزر قابل توضیح است. در سطح کلان، پدیده‌ها و رفتارهای اجتماعی به‌ویژه در زمینه‌هایی همچون تبلیغات، فرهنگ زیبایی، و تأثیرات فرهنگی گسترده‌تر نقش مهمی ایفا می‌کنند.

در عین حال، پژوهشگران زن بیشتر به موضوعات عینی - خرد توجه داشته‌اند (۵۰٪ در مقابل ۲۴٫۱۳٪). این موضوعات به طور خاص به تأثیرات فردی و روزمره مدیریت بدن می‌پردازند که در آن بحث‌های مربوط به تغییرات جسمی، فشارهای اجتماعی، و رفتارهای فردی در مرکز توجه قرار دارند.

تحلیل جنسیت‌محور این داده‌ها همچنین نشان می‌دهد که پژوهشگران مرد بیشتر به ابعاد ذهنی - خرد و عینی - کلان توجه کرده‌اند، در حالی که پژوهشگران زن به‌طور عمده به ابعاد عینی - خرد و عینی - کلان پرداخته‌اند. این روند می‌تواند نشان‌دهنده تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی در نگرش‌ها و رویکردهای پژوهشگران نسبت به مسائل مرتبط با بدن باشد.

بر اساس تحلیل ریتزر: با توجه به داده‌های ارائه شده، به نظر می‌رسد که در مطالعات مدیریت بدن، توجه بیشتر به ابعاد عینی و خرد، به‌ویژه در سطح فردی و کلان، به وضوح مشهود است. این یافته‌ها در تحلیل ریتزر قابل توجیه است، زیرا در جهانی‌شده و تحت تأثیر رسانه‌ها و تبلیغات، استانداردهای زیبایی به‌طور فزاینده‌ای در سطح کلان تأثیرگذار هستند، در حالی که در سطح خرد، مسائل فردی و اجتماعی مانند فشارهای جسمی و روانی همچنان به‌عنوان محورهای اصلی باقی می‌مانند.

رابطه سبک زندگی و سطوح واقعیت اجتماعی بر اساس داده‌ها نشان می‌دهد که:

واقعیت ذهنی: در سطح ذهنی، سبک زندگی بر نوع نگرش افراد به بدن خود تأثیر می‌گذارد. برای مثال، فرد ممکن است در دوران نوجوانی یا بزرگسالی، بیشتر از نظر ذهنی تحت فشار برای رسیدن به استانداردهای زیبایی جامعه قرار گیرد. این فشارها نه تنها از سوی رسانه‌ها بلکه از خانواده، دوستان، و محیط اجتماعی شکل می‌گیرند. بنابراین، فرد ممکن است احساس نارضایتی از بدن خود داشته باشد یا خود را با معیارهای اجتماعی تطبیق دهد.

واقعیت عینی: در سطح عینی، سبک زندگی در تعامل با تغییرات فیزیکی بدن، مانند افزایش یا کاهش وزن، عمل‌های جراحی زیبایی، و دیگر جنبه‌های عینی بدن در طول زندگی فرد است. در هر مرحله از زندگی، این تغییرات تحت تأثیر انتظارات اجتماعی قرار می‌گیرند. برای مثال، در دوران بزرگسالی، فشار برای حفظ اندام مناسب یا انجام عمل‌های جراحی ممکن است بیشتر باشد.

واقعیت خرد: در سطح خرد، فرد در مراحل مختلف زندگی ممکن است به بازتاب نگرش‌های فردی خود نسبت به بدن توجه کند. این نگرش‌ها معمولاً از تجربه‌های زندگی شخصی، تعاملات اجتماعی، و فرهنگ‌های مختلف ناشی می‌شوند. افراد در این سطح ممکن است بیشتر تحت تأثیر روابط اجتماعی و تجربیات شخصی خود قرار گیرند که چگونگی پذیرش یا رد استانداردهای زیبایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

واقعیت کلان: در سطح کلان، سبک زندگی به‌طور کلی تحت تأثیر فرهنگ و رسانه‌های اجتماعی قرار دارد. در این سطح، استانداردهای زیبایی و مدیریت بدن نه تنها در فرد بلکه در کل جامعه نقش دارند. به‌عنوان مثال، تغییرات اجتماعی در تأکید

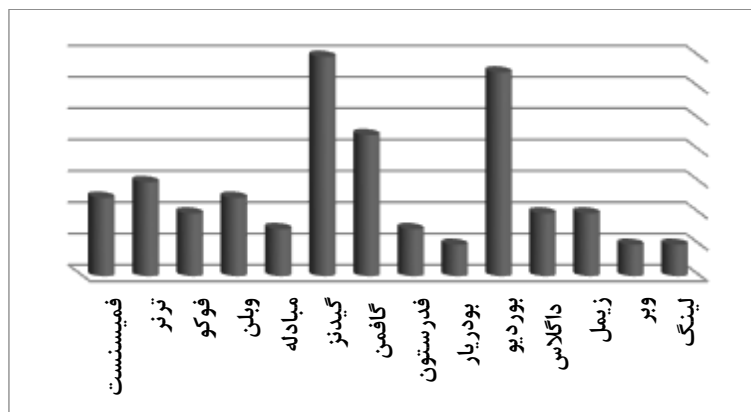
مقاله پژوهشی

بر زیبایی و استایل بدن ممکن است بر نسل‌های مختلف تأثیرگذار باشد، و این تأثیرات در طول زمان در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف متفاوت است.

بر اساس سبک زندگی و تحلیل ریتزر: مطالعات نشان می‌دهد که در بررسی مدیریت بدن و نگرش‌های مربوط به آن، اهمیت مراحل مختلف سبک زندگی قابل توجه است. تحلیل ریتزر در این زمینه نشان می‌دهد که هر سطح از واقعیت اجتماعی (ذهنی، عینی، خرد و کلان) با توجه به تغییرات و مراحل مختلف زندگی فرد تأثیرات متفاوتی دارد. در این راستا، توجه به ابعاد مختلف سبک زندگی افراد در مطالعات مدیریت بدن می‌تواند به درک بهتر از ارتباطات پیچیده‌تری که بین بدن، هویت فردی و اجتماعی وجود دارد، کمک کند. در نهایت، این تحلیل به‌ویژه در چارچوب تحلیل‌های کلان اجتماعی به روشن‌تر شدن روندهایی که در مدیریت بدن نقش دارند، کمک می‌کند.

ادبیات مدیریت بدن:

بررسی‌ها نشان داد، آدورنو، میرز، فریدمن، وارنر، هالبواکس، بندورا، برگر، الیاس، فی، دورکیم، مور، آشرا، یوهانسون، جکینز، شیلینگ، کولی، کجفلد، کلیولند، بیرنت، لووینگر، دومازیه، گرین، موس و مید از جمله نظریه پردازانی هستند که در زمینه‌های مطالعات بدن و حوزه‌های مرتبط با آن به نظریات آنان اشاره شده است، اما بیش از همه در این مطالعات، از نظریه‌های گیدنز و بوردیو استفاده شده است و پس از آن‌ها با فاصله زیادی می‌توان از ترنر و فوکو نام برد. لینگ، وبر، بودریار با ۲٫۶ درصد، فدرستون با ۳٫۹۴ درصد، زمیل، داگلاس و فوکو با ۵٫۲۶ درصد، وبلن و فمینیست‌ها با ۶٫۵۷ درصد در مباحث نظری مطالعات مطرح شده‌اند.



شکل ۴. نظریه‌های مطرح در حوزه مدیریت بدن

در پژوهش‌های داخلی، بیشتر از نظریه‌های گیدنز و بوردیو استفاده شده است، که این دو نظریه‌پرداز به‌ویژه در زمینه‌های بدن و هویت اجتماعی تأثیرات زیادی داشته‌اند. گیدنز به مفهوم «جسم و هویت» و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آن در طول زمان تأکید می‌کند. در این چارچوب، بدن به‌عنوان یک ساختار اجتماعی که به‌طور دائمی در معرض تغییرات فرهنگی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در تحلیل گیدنز، بدن نه‌فقط ابزار زیستی است بلکه یک شاخص اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود که در تعامل با جامعه و به‌ویژه در فرآیندهای مدیریت بدن مانند لاغری، جراحی‌های زیبایی و دیگر تغییرات بدنی شکل می‌گیرد. بوردیو نیز در نظریه خود بر مفهوم «سرمایه جسمانی» و تأثیرات جامعه‌شناختی بر بدن تأکید دارد. او معتقد است که بدن در فرهنگ‌های مختلف و بر اساس موقعیت اجتماعی فرد، به‌عنوان یک منبع سرمایه فرهنگی و اجتماعی عمل می‌کند. در تحلیل‌های

مدیریت بدن، این نظریه کمک می‌کند تا درک کنیم که چگونه بدن افراد در جوامع مختلف تحت تأثیر موقعیت اجتماعی و فرهنگی قرار دارد و چگونه افراد برای دستیابی به هنجارهای اجتماعی از بدن خود استفاده می‌کنند.

- مؤلفه‌های مدیریت بدن

مقاله‌های انتخاب شده بر حسب مؤلفه‌های مورد بررسی آن‌ها در مطالعه‌ی مدیریت بدن، تحلیل محتوا شدند. بر این مبنای ۵ مؤلفه‌ی اصلی آرایش بدن، تغییر بدن، پوشش بدن، وزن بدن و سلامت بدن شناسایی شدند که در جدول زیر موارد اشاره شده در متن و موضوع مقالات آورده شده است. موارد تکراری حذف و تنها یک بار به آن‌ها اشاره شده است. بر این اساس تحلیل مؤلفه‌های مورد بررسی در مدیریت بدن و مقاله‌های برگزیده به‌ویژه در ارتباط با پنج مؤلفه اصلی، یعنی آرایش بدن، تغییر بدن، پوشش بدن، وزن بدن و سلامت بدن، می‌تواند به ما بینش عمیق‌تری از نحوه تعامل فرد با بدن خود در جوامع مختلف و فرهنگ‌های گوناگون بدهد. این مؤلفه‌ها نه تنها نمایانگر جنبه‌های زیستی و فردی بدن، بلکه همچنین به‌طور عمیق به ابعاد فرهنگی، اجتماعی و حتی روان‌شناختی آن پرداخته و به شکلی تحلیلی‌تر نشان می‌دهند که چگونه بدن به‌عنوان یک ابراز هویتی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. پرتکرار بودن آرایش بدن نشان می‌دهد آرایش بدن به‌ویژه در جوامع مدرن، به‌شکل قابل توجهی نماد هویت فرد و وضعیت اجتماعی او محسوب می‌شود. استفاده از ابزارهای زیبایی مانند آرایش صورت، تغییر رنگ مو و پوست، استفاده از لنزهای زیبایی چشم و حتی پروتزهای مصنوعی در برخی جوامع، به‌عنوان ابزارهایی برای بهبود ظاهر و مطابقت با استانداردهای زیبایی شناخته می‌شوند. این عمل‌ها به‌طور مستقیم با نظریه‌ی گیدنز در مورد «خودآگاهی» و ساخت هویت فردی در تعاملات اجتماعی ارتباط دارد. در سبک زندگی فردی، فرد به‌واسطه آرایش بدن، می‌تواند خود را مطابق با هنجارهای اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه‌اش معرفی کند. تغییرات ظاهری به‌ویژه در سطح ذهنی، بخشی از فرآیند «مدیریت بدن» محسوب می‌شود که در آن فرد تلاش می‌کند با استفاده از آرایش به اصلاح و بهبود خود بپردازد و هویت اجتماعی‌اش را تقویت کند.

جدول ۵: مؤلفه‌های پرتکرار مدیریت بدن

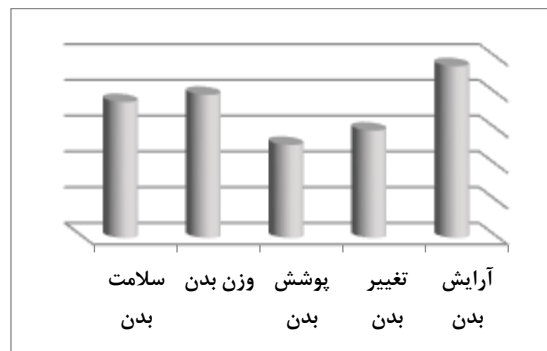
آرایش بدن	آرایش مو- آرایش صورت- استفاده از وسایل مصنوعی (زینتی)- تغییر رنگ پوست و مو- استفاده از لنز زیبایی چشم
تغییر بدن	جراحی‌های زیبایی- ارتودونسی و زیبایی دهان و دندان- جراحی برای افزایش یا کوتاه کردن قد- بریدن قسمتی از بدن به منظور تناسب اندام
پوشش بدن	لباس‌های اندامی و کوتاه- لباس‌های رنگی- پوشش اسلامی
وزن بدن	تعدیه سالم- رژیم‌های لاغری- بدن‌سازی- استفاده از داروها
سلامت بدن	مراقبت‌های بهداشتی- رفتارهای ورزشی سالم

جدول ۶: شاخص‌های مدیریت بدن

شاخص‌های مدیریت بدن	فراوانی	درصد
۱ آرایش بدن	24	۲۶,۳۷
۲ تغییر بدن	۱۵	۱۶,۴۸
۳ پوشش بدن	۱۳	۱۴,۲۸
۴ وزن بدن	۲۰	۲۱,۹۷
۵ سلامت بدن	۱۹	۲۰,۸۷
کل	۹۱	۱۰۰

مطالعات انجام شده نشان می‌دهند که مهم‌ترین شاخص‌های مدیریت بدن به ترتیب عبارتند از:

در عین حال شاخص‌ها نشان می‌دهند که بیشترین توجه پژوهشگران در زمینه مدیریت بدن، به آرایش بدن و تغییرات وزنی معطوف است. این شاخص‌ها در دنیای مدرن به‌ویژه در زمینه‌های رسانه‌ای، فرهنگ و هویت اجتماعی بیشترین اهمیت را دارند. بر اساس نظریه‌های ریتزر و دیگر نظریه‌پردازان اجتماعی مانند گیدنز و بوردیو، پژوهش‌های مدیریت بدن در ایران بیشتر بر تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و هویت فردی در طول سبک زندگی متمرکز است. این پژوهش‌ها به‌ویژه بر تغییرات عینی (مانند جراحی‌های زیبایی) و ذهنی (مانند نگرش‌های فردی نسبت به بدن) تأکید دارند



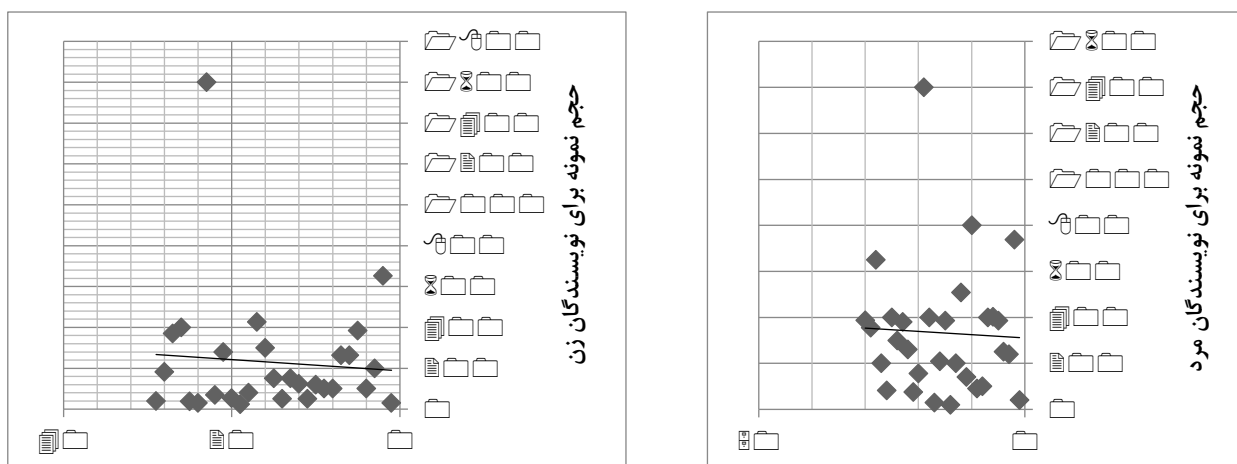
شکل ۵- شاخص‌های مدیریت بدن

در مجموع، تحقیقات داخلی در این حوزه به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر نهادهای اجتماعی و فرهنگی قرار دارند که در آن، بدن نه‌فقط به‌عنوان یک موجود زیستی، بلکه به‌عنوان یک شاخص اجتماعی و فرهنگی نگریسته می‌شود.

بخش کمی:

- حجم نمونه و مکان نمونه‌گیری مطالعات مدیریت بدن:

در انتخاب حجم نمونه، توسط پژوهش‌گران زن و مرد تفاوت‌هایی مشاهده شد. نویسندگان زن با حجم نمونه‌ی کمتری کارهای پژوهشی خود را انجام می‌دهند و نسبت پراکندگی این پژوهش‌ها به نسبت پژوهش‌های انجام شده توسط پژوهش‌گران مرد بیشتر است، اما حجم نمونه انتخابی پژوهش‌گران مرد بیشتر و میانگین آن ۳۰۰ نفر است؛ در حالی که این میزان برای زنان حدود ۲۰۰ نفر است. اما دامنه نمونه انتخاب شده توسط زنان بیشتر از مردها است.



شکل ۶- حجم نمونه مطالعه شده به تفکیک جنسیت پژوهشگران

در ارتباط با انتخاب نمونه‌ها به لحاظ پراکندگی جغرافیایی، نتایج نشان داد نزدیک به ۷۰ درصد از مطالعات مدیریت بدن به سه شهر تهران، شیراز و اصفهان محدود شده‌اند و در برخی از شهرها مانند ارومیه، گیلان غرب و استان سیستان و بلوچستان تنها یک مطالعه انجام شده و در بسیاری از شهرها هیچ مطالعه‌ای صورت نگرفته است.

تحلیل سبک زندگی و ریتزر از داده‌ها در انتخاب حجم نمونه و پراکندگی جغرافیایی

تحلیل داده‌ها با استفاده از سبک زندگی و نظریه ریتزر می‌تواند به‌خوبی درک بهتری از تفاوت‌های موجود در حجم نمونه‌ها و پراکندگی جغرافیایی در پژوهش‌های مدیریت بدن ارائه دهد. در این بخش، به تفصیل این دو نظریه را به تحلیل داده‌ها مرتبط با انتخاب حجم نمونه و پراکندگی جغرافیایی پژوهشگران زن و مرد پیوند می‌دهیم.

سبک زندگی و انتخاب حجم نمونه

از دیدگاه سبک زندگی، مراحل مختلف زندگی فرد می‌تواند بر انتخاب نمونه‌های تحقیقاتی و حجم آن‌ها تأثیر بگذارد. در این تحقیق، تفاوت‌هایی میان انتخاب حجم نمونه توسط پژوهشگران زن و مرد مشاهده شد که این تفاوت‌ها می‌تواند به‌خوبی در چارچوب سبک زندگی تحلیل شود.

پژوهشگران زن: پژوهشگران زن معمولاً با حجم نمونه کمتری کار می‌کنند (تقریباً ۲۰۰ نفر). در سبک زندگی، زنان در مراحل مختلف زندگی خود ممکن است با چالش‌هایی مانند محدودیت‌های اجتماعی، نقش‌های سنتی در خانواده، و فشارهای اجتماعی و فرهنگی مواجه شوند که می‌تواند بر توانایی آن‌ها در انجام مطالعات با حجم نمونه بزرگ‌تر تأثیر بگذارد. همچنین این تفاوت‌ها می‌تواند نشان‌دهنده تفاوت در دسترسی به منابع و فرصت‌ها باشد.

پژوهشگران مرد: از سوی دیگر، پژوهشگران مرد با حجم نمونه‌ای بزرگ‌تر (۳۰۰ نفر) در تحقیقات خود عمل می‌کنند. در سبک زندگی، مردان به‌طور کلی ممکن است دسترسی بیشتری به منابع مالی، حمایت‌های اجتماعی و فرصت‌های تحقیقاتی

داشته باشند که این امر می‌تواند به انتخاب حجم نمونه بزرگ‌تر منجر شود. این مسئله همچنین می‌تواند به تفاوت‌های اجتماعی در امکان بهره‌برداری از فرصت‌های تحقیقاتی در مراحل مختلف زندگی افراد مرتبط باشد.

پراکندگی جغرافیایی و نظریه ریتزر

در تحلیل پراکندگی جغرافیایی، می‌توان به‌ویژه از نظریه ریتزر و مفهوم واقعیت اجتماعی کلان بهره برد. طبق نظریه ریتزر، در جوامع مصرف‌گرا، ساختارهای اجتماعی و اقتصادی تأثیر زیادی بر نحوه انجام تحقیقات دارند.

پراکندگی جغرافیایی محدود: نتایج نشان داد که نزدیک به ۷۰ درصد از مطالعات در سه شهر تهران، شیراز و اصفهان انجام شده‌اند. این می‌تواند نمایانگر تمرکز بیشتر منابع و فرصت‌ها در این سه منطقه باشد که اغلب در جوامع مدرن به‌عنوان مراکز اقتصادی، فرهنگی و علمی شناخته می‌شوند. ریتزر در اینجا می‌تواند توضیح دهد که در یک جامعه مصرف‌گرا، این سه شهر به‌عنوان مراکز نخبگانی با دسترسی به منابع مالی و انسانی بیشتر، توجه بیشتری به مسائل بدن و زیبایی داشته‌اند. به نظر می‌رسد سبک زندگی مدرن ویژه از نظر جنسیت و موقعیت جغرافیایی، تأثیرات عمده‌ای بر روند تحقیقاتی دارند. این یافته‌ها نه تنها به مشکلات اجتماعی و اقتصادی اشاره دارند، بلکه نشان می‌دهند که چگونه ساختارهای کلان اجتماعی، فرهنگ مصرف‌گرا، و تعاملات اجتماعی در انتخاب نمونه‌ها و انجام پژوهش‌ها نقش دارند.

محوریت موضوعی مقالات:

داده‌های جدول ۷ نشان می‌دهد، در پژوهش‌هایی که نویسندگان آن‌ها مرد بودند ۵۱،۷۲ درصد مطالعات با محوریت موضوعی «زن» انجام شده، در حالی که نویسندگان زن ۵۳،۵۷ درصد بیشتر به صورت مقایسه هر دو جنس، مطالعات خود را انجام داده‌اند. به بیان دیگر در این مطالعات، نگاه مردها تک سویه و نگاه زنان دوسویه بوده است. تفاوت‌های موجود در نوع محوریت موضوعی پژوهش‌ها می‌تواند به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی که بر اساس جنسیت و دیدگاه‌های اجتماعی شکل گرفته‌اند، نسبت داده شود. پژوهشگران مرد بیشتر به مسائل زنان از منظر یک‌سویه و ممکن است به تفسیر اجتماعی جنبه‌های بدن زنان بپردازند، در حالی که پژوهشگران زن تلاش دارند تا از دیدگاهی دوسویه به تحلیل موضوع پرداخته و جنبه‌های مشترک و تفاوت‌ها را مورد بررسی قرار دهند. این نتایج با مفاهیم نظریه ریتزر که تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بر رفتار و انتخاب‌های فردی را تحلیل می‌کند، تطابق دارد.

جدول ۸: محوریت موضوعی مطالعات مدیریت

محوریت موضوعی		محوریت موضوعی مرد		محوریت موضوعی زن		محوریت موضوعی
جنسیت پژوهش‌گر	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	جنسیت پژوهش‌گر
مرد	15	۳،۴۵	1	۵۱،۷۲	15	مرد
زن	10	۱۰،۷۱	3	۳۵،۷۱	10	زن

- مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مدیریت بدن:

برای شناسایی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مدیریت بدن از نگاه مطالعات علمی-پژوهشی ایران، فراتحلیل کمی با روش اشمیت و هانتز صورت گرفت. به این ترتیب که ابتدا متغیرهای بررسی شده در مطالعات مدیریت بدن، از بررسی 65 مطالعه موجود استخراج شد. سپس متغیرها بر مبنای تکرار آن‌ها طبقه‌بندی شدند و فراوانی تکرار فرضیات در مطالعات به دست آمد. برای اثرگذار دانستن متغیرهایی که می‌توانند در فراتحلیل وارد شوند، شرط اصلی این است که حداقل ۵ بار در فرضیات مطالعه‌ها تکرار شده باشند (تامپسن، ۱۹۹۷). در این بررسی ابتدا آماره‌های مورد مطالعه F ، t و χ^2 و F و t و χ^2 دو توسط فرمول‌های مرتبط

به اندازه اثر d تبدیل شد. سپس فرضیات با حداقل پنج بار تکرار، از سایر فرضیات تفکیک شده و بالاترین ضریب تأثیر و پایین ترین ضریب تأثیر در کنار ضریب تأثیر ارائه شد (هومن، ۱۳۷۰). هم چنین آزمون غیر همگنی به عمل آمد. در این آزمون، براساس تفسیر کوهن، هر چه اندازه اثر بزرگ تر باشد، توان آزمون هم بیشتر می شود و اعتبار تصمیم گیری افزایش می یابد. بنابراین با توجه به این که ضریب شدت تأثیر برای متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی ۰,۷۵۶، دینداری ۰,۷۵۲ و سرمایه فرهنگی ۰,۷۱ است، رابطه این سه متغیر با مدیریت بدن قوی تفسیر می شود، اما برای اختلال شخصیت با ضریب شدت تأثیر ۰,۶۵ اندازه اثر نسبتاً قوی است و برای متغیرهای جنسیت، تصویر بدنی و مصرف رسانه ای ضریب شدت تأثیر به ترتیب ۰,۳۲، ۰,۴۹ و ۰,۴۵ برآورد شده اند که بنا به جدول کوهن به لحاظ شدت اندازه اثر متوسط تفسیر می شوند.

جدول ۷: فراتحلیل کمی مطالعات مدیریت بدن

آزمون غیر همگنی		اندازه اثر در فاصله ۰,۹۵				
p-value	df	بالاترین	پایین ترین	شدت	فراوانی	متغیرها
0	4	0.516	0.02	■0.3224	۵	رابطه جنسیت و مدیریت بدن
0	4	1.58	0.002	■0.7524	۵	رابطه دینداری و مدیریت بدن
0	10	1.56	0.01	■0.49	۱۱	رابطه تصویر بدنی و مدیریت بدن
0	10	1.54	0.2	■0.756	۱۱	رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی و مدیریت بدن
0	5	1.14	0.01	■0.450	۶	رابطه مصرف رسانه ای و مدیریت بدن
0	10	0.926	0.268	■0.6595	۱۱	رابطه اختلال شخصیت و مدیریت بدن
*0.667	4	1.47	0.179	■0.7118	۶	رابطه سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن
همگن*		■رابطه معنادار است				

با توجه به شدت تأثیر در هر پنج رابطه، در جدول بالا، می توان گفت روابط معنادار هستند و جنسیت، دینداری، تصویر بدنی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، مصرف رسانه ای، اختلال شخصیت و سرمایه فرهنگی در مدیریت بدن تأثیر گذارند. از طرف دیگر به دلیل معنی دار بودن ($P\text{-value} < 0,05$) آزمون غیر همگنی جنسیت، دینداری، تصویر بدنی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، مصرف رسانه ای و اختلال شخصیت تأیید می شود و این غیر همگنی نشان می دهد بررسی متغیرهای مداخله گر مناسب ضرورت دارد. در این میان تنها همگنی آزمون رابطه سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن تأیید شد. سرمایه فرهنگی به عنوان

مقاله پژوهشی

یکی از عوامل تأثیرگذار بر مدیریت بدن، هم در سطح خرد و هم در سطح کلان اهمیت دارد. افراد با سرمایه فرهنگی بیشتر، توانایی بیشتری برای مدیریت بدن خود دارند و ممکن است به استانداردهای زیبایی و بهداشتی جامعه توجه بیشتری داشته باشند. این تأثیرات در طول زمان و در مراحل مختلف زندگی افراد به‌طور پیوسته تغییر می‌کند و به‌طور مستقیم با تجربیات و آگاهی‌های فرهنگی افراد در ارتباط است. در نهایت، این سرمایه فرهنگی است که می‌تواند تأثیر معناداری بر شیوه‌ها و انتخاب‌های مدیریت بدن و سبک زندگی فردی افراد داشته باشد.

بحث

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که مدیریت بدن به‌عنوان یک پدیده چندلایه، تحت تأثیر هم‌زمان عوامل خرد و کلان اجتماعی قرار دارد. این یافته‌ها با بسیاری از پژوهش‌های پیشین مطابقت دارد و نشان می‌دهد که در سطح فردی، فشارهای اجتماعی و رسانه‌ای نقش مهمی در ایجاد گرایش‌های رفتاری برای تطابق با استانداردهای زیبایی دارند. به‌ویژه در میان زنان، این فشارها منجر به تلاش‌های مستمر برای رعایت معیارهای اجتماعی ظاهری، مانند آرایش بدن، رژیم‌های لاغری و استفاده از روش‌های مختلف زیبایی شده است. این یافته با نتایج مطالعات مهدوی و عبادی (۱۳۸۹) همخوانی دارد که نشان می‌دهند زنان در جوامع تحت تأثیر فرهنگ‌های خاص، بیشتر در معرض این فشارها قرار دارند.

در سطح کلان، پژوهش‌های پیشین نیز به تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی در شکل‌گیری نگرش‌های مدیریت بدن اشاره کرده‌اند. مطالعات ادیبی و همکاران (۱۳۸۹) و شکرپیگی و امیری (۱۳۹۰) تفاوت‌های فرهنگی موجود در مناطق مختلف ایران را برجسته کرده و نشان داده‌اند که شهرهای بزرگ مانند تهران، شیراز و اصفهان، تمرکز بیشتری بر این موضوع دارند (ShekarBeigi & Amiri, ; Adibi). این موضوع می‌تواند به دلیل دسترسی بیشتر به رسانه‌ها، الگوهای فرهنگی متنوع و تعاملات اجتماعی گسترده‌تر در این مناطق باشد. با این حال، این تمرکز نشان می‌دهد که مناطق کمتر توسعه‌یافته یا کمتر مورد مطالعه، نیازمند تحقیقات بیشتری برای درک بهتر نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با مدیریت بدن هستند.

تفاوت‌های جنسیتی نیز از دیگر نکات برجسته این پژوهش بود. زنان به‌طور معمول توجه بیشتری به مدیریت بدن نشان می‌دهند، که این امر همسو با یافته‌های شکرپیگی و امیری (۱۳۹۰) است. با این حال، در سال‌های اخیر تغییرات اجتماعی منجر به افزایش اهمیت مدیریت بدن در میان مردان، به‌ویژه مردان جوان شده است. این تغییرات در بسیاری از مطالعات بین‌المللی مانند گلدنبرگ و همکاران (۲۰۰۵) و سوآمی و همکاران (۲۰۱۰) به‌خوبی مورد بررسی قرار گرفته است. اما به نظر می‌رسد که در پژوهش‌های داخلی کمتر به این موضوع پرداخته شده است، که ضرورت انجام تحقیقات بیشتری در این زمینه را مطرح می‌کند.

یافته‌ها همچنین نقش مؤثر سرمایه فرهنگی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی را در مدیریت بدن تأیید می‌کنند. افراد دارای دسترسی بیشتر به منابع اطلاعاتی و آموزشی، توانایی بهتری برای مدیریت بدن خود دارند و با سهولت بیشتری می‌توانند خود را با استانداردهای زیبایی تطبیق دهند. این موضوع در چارچوب نظریه‌های بورديو و ریتزر قابل توضیح است، که بر تأثیر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی بر رفتارهای فردی تأکید می‌کنند. همچنین، پایبندی به اصول دینی نقش مهمی در نحوه مدیریت بدن ایفا می‌کند. افراد پایبندتر به آموزه‌های دینی، توجه بیشتری به سلامت و پوشش دارند که با ارزش‌های دینی همخوانی داشته باشد. با این حال، یافته‌ها نشان می‌دهند که بسیاری از پژوهش‌های داخلی بیشتر از نظریات غربی برای تحلیل مدیریت بدن بهره‌برده‌اند و آموزه‌های اسلامی در این حوزه کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در نهایت، یافته‌های این پژوهش بر لزوم توسعه یک مدل بومی و ایرانی-اسلامی برای مدیریت بدن تأکید دارند. این مدل باید بتواند ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی جامعه را در نظر گرفته و چارچوبی متعادل برای مدیریت بدن ارائه دهد. با توجه به شکاف‌های موجود در پژوهش‌های انجام‌شده، پیشنهاد می‌شود که مطالعات آینده با تمرکز بیشتری بر مناطق کمتر مطالعه‌شده، تفاوت‌های جنسیتی و نقش آموزه‌های دینی در مدیریت بدن انجام شوند. چنین رویکردی می‌تواند به ایجاد درکی جامع‌تر و واقع‌گرایانه‌تر از این پدیده پیچیده کمک کند.

نتیجه‌گیری

نظریه جورج ریتزر بر تأثیر متقابل واقعیت‌های خرد و کلان (Micro-Macro) و عینی-ذهنی (Objective-Subjective) در شکل‌دهی رفتارهای اجتماعی تأکید دارد. این نظریه می‌تواند چارچوب مناسبی برای تحلیل چندلایگی مدیریت بدن به‌عنوان یک پدیده اجتماعی-فرهنگی باشد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که مدیریت بدن در سبک زندگی معاصر تحت تأثیر این دو بُعد نظری قرار دارد.

۱. تبیین مدیریت بدن در سطح خرد و کلان

مدیریت بدن در دو سطح خرد و کلان قابل تحلیل است:

سطح خرد (واقعیت فردی):

در این سطح، مدیریت بدن تحت تأثیر نگرش‌ها، باورها و رفتارهای فردی قرار دارد. یافته‌ها نشان دادند که سرمایه فرهنگی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد نقش مهمی در نحوه مدیریت بدن ایفا می‌کنند. افرادی که به منابع آموزشی و اطلاعاتی بهتری دسترسی دارند، آگاهی بیشتری در زمینه سلامت، زیبایی و تغذیه سالم دارند. این آگاهی باعث می‌شود که این افراد توانایی بیشتری در مدیریت بدن خود داشته باشند و بتوانند به استانداردهای زیبایی اجتماعی نزدیک‌تر شوند. همچنین دینداری به‌عنوان یک متغیر خرد می‌تواند رفتارهای مرتبط با سلامت و پوشش را تحت تأثیر قرار دهد.

سطح کلان (واقعیت اجتماعی-فرهنگی):

در سطح کلان، فشارهای اجتماعی و رسانه‌ای به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری الگوهای مدیریت بدن شناخته می‌شوند. استانداردهای زیبایی که از طریق رسانه‌ها و فرهنگ عمومی جامعه منتقل می‌شوند، نقش کلیدی در تعیین رفتارهای افراد دارند. زنان به دلیل تأثیرات فرهنگی و اجتماعی قوی‌تر، بیشتر از مردان به این استانداردها پایبند هستند و سعی می‌کنند ظاهر خود را با آن‌ها تطبیق دهند. همچنین تغییرات اجتماعی اخیر نشان‌دهنده افزایش توجه به مدیریت بدن در میان مردان است، که این موضوع خود ناشی از تحولات کلان اجتماعی و فرهنگی است.

۲. تبیین مدیریت بدن در بُعد عینی و ذهنی

نظریه ریتزر همچنین به تفکیک میان واقعیت‌های عینی و ذهنی در شکل‌دهی رفتارهای اجتماعی می‌پردازد:

واقعیت‌های عینی شامل ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند که به‌صورت خارجی بر رفتارهای فردی تأثیر می‌گذارند. پایگاه اجتماعی-اقتصادی یکی از مهم‌ترین عوامل عینی است که در این پژوهش شناسایی شد. افرادی که در طبقات اجتماعی بالاتری قرار دارند، به دلیل دسترسی بیشتر به منابع مالی و آموزشی، رفتارهای بهتری در مدیریت بدن از خود نشان

می‌دهند. همچنین فشارهای رسانه‌ای به‌عنوان یک عامل عینی نقش مهمی در تحمیل استانداردهای زیبایی به افراد دارند و حال آن که واقعیت‌های ذهنی شامل نگرش‌ها، باورها و ارزش‌های درونی افراد می‌شود. پابندی به اصول دینی یکی از مهم‌ترین متغیرهای ذهنی در این پژوهش بود. دینداری می‌تواند بر نگرش افراد نسبت به سلامت جسمی و روانی، پوشش و ظاهر تأثیر بگذارد. همچنین باورهای فردی نسبت به زیبایی و استانداردهای اجتماعی نیز در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با مدیریت بدن نقش مهمی دارند.

۳. ضرورت توسعه مدل بومی مدیریت بدن

یافته‌های این پژوهش نشان دادند که بسیاری از مدل‌های موجود در زمینه مدیریت بدن بر پایه نظریات غربی شکل گرفته‌اند و کمتر به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و دینی جامعه ایرانی توجه کرده‌اند. این موضوع ضرورت توسعه یک مدل بومی و ایرانی-اسلامی برای مدیریت بدن را برجسته می‌کند. چنین مدلی باید هم‌زمان به واقعیت‌های خرد و کلان و عینی-ذهنی توجه داشته باشد.

در سطح خرد و ذهنی: باید به باورها و نگرش‌های فردی در رابطه با سلامت و زیبایی توجه شود و این باورها در جهت ارتقای سلامت جسمی و روانی هدایت شوند.

در سطح کلان و عینی: باید با استفاده از رسانه‌ها و آموزش‌های فرهنگی، الگوهای مثبت زیبایی و سلامت را در جامعه ترویج داد و از فشارهای منفی رسانه‌ای کاست.

در انتهای این پژوهش، یک مدل مفهومی برای مدیریت بدن در سبک زندگی معاصر ارائه شد که تمامی عوامل اجتماعی، فرهنگی و فردی مؤثر را در بر می‌گیرد. این مدل می‌تواند به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل و مدیریت بدن در جامعه ایران به کار گرفته شود. همچنین این مدل می‌تواند مبنای پژوهش‌های آتی در زمینه مدیریت بدن باشد و به توسعه سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر کمک کند.

بر اساس نظریه واقعیت‌های خرد و کلان و عینی-ذهنی ریتزر، مدیریت بدن به‌عنوان یک فرایند چندلایه در سبک زندگی معاصر قابل تحلیل است. این پژوهش نشان داد که عوامل فردی مانند سرمایه فرهنگی و دینداری، در کنار عوامل اجتماعی-فرهنگی مانند پایگاه اجتماعی-اقتصادی و فشارهای رسانه‌ای، نقش کلیدی در مدیریت بدن دارند. توجه به این ابعاد در طراحی مدل‌های بومی می‌تواند به بهبود آگاهی عمومی و کاهش فشارهای منفی رسانه‌ای کمک کرده و الگوهای سالم‌تر مدیریت بدن را در جامعه ترویج دهد.

منابع

- Azkiya, M., & Tavakoli M (2006), "Meta-analysis of Job Satisfaction Studies in Educational Organizations", Social Science Letter, No. 2. [In Persian]
- Babi, E. (2002), Research Methods in Social Sciences, (Reza Fazel), Tehran, Khome Publications. [In Persian]
- Barzgar, A. (1391). The Pathology of Interdisciplinary Studies in Iran. Epistemological Studies in Islamic University, 16 (51), 173-194. [In Persian]
- Behar.R.,Arancibia.Y.M. (2015). Body image disorders: anorexia nervosa versus reverseanorexia (muscle dysmorphia). Revista Mexicana de Trastornos Alimentarios , 6, 121-128.
- Bourdieu P.(1984) Distinction, London:Routledge & Kegan Paul.
- Bourdieu, P.(2005), Capital Forms, Collector Kian Tajbakhsh, (Afshin Khakbaz & Hassan Pouyan), Tehran, Shiraz. [In Persian]

- Burrowes, N. (2013). Body image – a rapid evidence assessment of the literature. More information is available at .
- Chalmers C. (2009), "Charting Dr. the existence & approaches to management of the tattooing & body piercing industry — a historical overview", *Journal of Infection Prevention*, ۱۰(۲): pp. ۱۰۲-۱۰۵
- Chavshian Tabrizi, H. (2002), "Lifestyle & Social Identity of Consumption & Choices as the Foundations of Social Diversity & Similarity in the Recent Age of Modernity", Doctoral Thesis, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. [In Persian]
- Cregan K. (2006), *The sociology of the body: Mapping the abstraction of Embodiment*, SAGE publications London.
- Eagleton, Terry (1), *An Introduction to Ideology*, (Akbar Masoum Begi), Tehran, Ad Publishing.
- Fazli, M. (2003), *consumption & lifestyle*, Qom, Sadegh Morning [In Persian].
- Featherstone M. (1991), "Consumer Culture & Postmodernism", *London Journal of Sociology*, 85(9)
- Giddens A (2004), *Sociology* (Translated by Manouchehr Sabouri), Thirteenth Edition, Tehran, Publication. [In Persian]
- Giddens A (2009), *Modernity & Individuality: Society & Personal Identity in the New Age*, (Nasser Successors), Tehran, op. [In Persian]
- Giddens, Anthony (۱۳۸۶), *Sociology*, Translated by Hassan Chavoshian, Tehran, Ney Publications. [In Persian]
- Goldenberg J.L. & et al. (2005), "Dying To Be Thin: The Effects of Mortality Salience & Body Mass Index on Restricted Eating Among Women", *Personality & Social Psychology Bulletin*, ۳۱(۱۰): pp. ۱۴۰۰-۱۴۱۲
- Gordon, M (2009), *Oxford Sociological Culture*, (Homeyra Moshirzadeh), Tehran, vol. [In Persian]
- Hooman, H.Ai (1), *Practical Guide to Meta-Analysis in Scientific Research*, Tehran, op. [In Persian]
- Howson, A. Inglis, D (2001), *The body in sociology: Tensions Inside & Outside Sociological Thought*, The Editorial Board of *Sociological Review*.
- Keyvanara, M (1): *Principles & Foundations of Medical Sociology*, Isfahan, Isfahan University of Medical Sciences, Veblen, Torstein (1): *The Welfare Class Theory*, Tehran, *Translational Culture Guidance*, Ney Publishing, 2. [In Persian]
- Krieger N. & Smith D (2004), "Bodies Count & Body Count: Social Epidemiology & Embodying Inequality", *Epidemiologic Reviews*, 26
- Laqueur T (1999), *Making Sex: Body & Gender From the Greeks to Freud* Massachusetts, Harvard University Press
- Lash, S (1): *Postmodern Sociology*, Hassan Chavoshian, Center Publishing, Tehran.
- Leonetti. J.P. & et al (1997), "Perioperative strategies in the management of carotid body tumors", *Otolaryngology - Head & Neck Surgery*, ۱۱۷(۱): pp. ۱۱۱-۱۱۵
- Medical Sociology*, Edited by William, C. Cockerham, Blackwell Publisher. York, Routledge.
- Mirteghian Roodsari, S.Mo, Khorasani, M. (1398). *The Pathology of Tourism Studies in Rural Research: The Application of Content Analysis*. *Rural Research*, 10 (2), 328-359 [In Persian]
- Moinoleslam M & Taiebi N. (2001), *Woman psychology in Nahjolbalaghe*, Ghom: Beheshte Binesh Press.
- Movahed, M et al. (1): *Social makeup & social life of young girls*, *Quarterly Journal of Research in Women*, Volume 2, Number 2 (6). [In Persian]
- Nettleton, S (2001): *The Sociology of The Body*, *The Blackwell Companion to Medical Sociology*, Edited by William, C. Cockerham, Blackwell Publisher.
- Orna Sasson-Levy (2007), "Individual Bodies, Collective State Interests: The Case of Israeli Combat Soldiers", *Men & Masculinities*, ۱۰(۳): pp. ۲۹۶-۳۲۱.
- Pasha Sharifi, H & Sharifi N (2004), *Research Methods in Social Sciences*, Tehran, Sokhan Publications. [In Persian]
- Razavi Zadeh, N (2007), *Investigating the Impact of Media Use on the Lifestyle of Residents of Tehran*, Tehran, Ministry of Culture & Islamic Guidance. [In Persian]
- Reitzer, G (1), *Contemporary Theory of Sociology*, (Mohsen Salasi), Seventeenth Edition, Tehran, Academic. [In Persian]
- Richetin, J & et al (2012). *Self body recognition depends on implicit and explicit self – esteem*. *Body image*, 9(2): 253-260.
- Robinson. T.R. (2003), "appearance management", *crested appearance*, phd Thesis, Faculty of Virginia Polytechnic Institute & State University, Virginia.

- Rudd N.A. & S.J. Lennon(2000), " Body Image & Appearance-Management Behaviors in College Women" *Clothing & Textiles Research Journal*, 18,152.
- Sarayi, H (2009), *Introduction to Sampling in Research*, Tehran, side. [In Persian]
- Shariff F & et.al(2009),"Mind & Body Management Strategies for Chronic Pain & Rheumatoid Arthritis" ,*Qualitative Health Research*, vol. ۱۹(۸): pp. ۱۰۳۷-۱۰۴۹. [In Persian]
- Shilling, Ch. (1993), *The Body & Social Theory*, London: SAGE Publications.
- Swami,V., Frederick, et al (2010). The attractive female body weight and female body dissatisfaction in 26 countries across 10 world regions: Results of the International Body Project I. *Personality & Social Psychology Bulletin*, 36(3),309–325.
- Thompson D.D.& et.al(1997),"job satisfaction in educational organization: a synthesis of research finding", E.AQ: pp 7-33.
- Tuner,B(1996): *The Body & Society: Explorations in Social Theory*, Sage Publications,London .
Thous& Oaks . New Delhi
- Waite L(۲۰۰۷),"Some People Drink as the Body Should Feel a Little Ease:Underst&ing Body Management amongst Manual Labourers in Western India" , *Journal of South Asian Development*, vol. ۲(۲):pp. ۲۲۷-۲۵۳.
- Wellington A.C. & Bryson R.J.(2001), "At Face Value: Image Consultancy Emotional Labour & Professional Work", *Sociology*, Vol.35(4).
- Wood K.(2004), "effects of a media intervention program of the body image & eating attitude among children", *J Undergrad Res*,6:1-6.
- Farhadossian S & Alchemist SM (۲۰۱۰), "Factors Affecting Body Mass Index in Women Under Weight Loss", *Journal of Kerman University of Medical Sciences*, ۱۸(۱): .۶۳-۷۲ .[In Persian]
- .Mouhid Majid et al. (۲۰۱۰), "Young Girls' Social Composition & Life", *Women in Development & Politics (Women's Research)*, ۸(۱(۲۸)): .۷۹-۱۰۵ .[In Persian]
- .Mozaffari KH Hassan et al. (۲۰۱۱), "Prevalence of Eating Disorder & Obesity in Girls' High School Students in Yazd in ۲۰۱۰-۲۰۱۱", *Tolooe-e-Hosseini*, ۱۰(۱(۳۱)): .۳۸-۴۹ .[In Persian]
- .Najjarpourastadi S (۲۰۰۸), "The Relationship between Family Emotional Climate, Self-Esteem, Self-Esteem & Social-Economic Base on Youth Identity Shaping", *Thought & Behavior (Applied Psychology)*, ۳(۹): .۴۹-۵۸ .[In Persian]
- .Nourbakhsh P & Hassanpour GH (۲۰۰۴), "A Comparative Study of Self-Esteem & Self-Concept of Athletic & Non-Athletic Boys in Secondary Education Areas of Ahvaz & Their Relationship with Academic Achievement", *Motion*, (۲۱): ۱۹-۳۲ .[In Persian]
- Abdolmaleki Z et al. (۲۰۱۰), "Structural Equation Modeling Relationship between Socioeconomic Status & Physical Self-Concept in Adolescent Girls: Mediating Physical Activity & Body Mass Index", *Motor Behavior (Research in Sport Sciences)*, ۲(۷) : ۱۳-۳۰ .[In Persian]
- Abolghasemi A. & Esa J (2012), "The Effectiveness of Dialectical Behavior Therapy on Body Image & Self-efficacy in Girls with Neurotic Overeating", *Journal of Clinical Psychology*, No. 2 (14.[In Persian]
- Adibi SM et al (2011), "Sociological Explanation of Body Management among Women", *Socio-Psychological Studies in Women (Women's Studies)*, 9 (3 (29)): 59-83.[In Persian]
- Afkham F & Ebrahimi A (۲۰۰۴), "Personality Patterns of Cosmetic Surgery Applicants", *Iranian Journal of Psychiatry & Clinical Psychology (Thought & Behavior)*, ۹(۴(۳۶)): .۴-۱۰ .[In Persian]
- Aghasi P & Shabaki R (۲۰۱۰), "The Role of Physical Image in Quality of Life, Life Satisfaction, Sexual Attitude & Self-Esteem", *Thought & Behavior (Applied Psychology)*, ۵(۱۷): .۹-۱۸ .[In Persian]
- Alaee Karahroodi F et al. (۲۰۱۰), "Comparison of Normal & Delinquent Adolescents' Perceptions of ۱۲-۱۴ Year Old Boys in Tehran", *Journal of School of Nursing & Midwifery*, ۲۰(۶۹): .۱۰-۱۵ .[In Persian]
- Alieh & Amiri Amir (2011), "Body Management & Social Acceptance (Study of Male & Female Students of Islamic Azad University & Payam Noor University of Zanjan)", *Sociology of Youth Studies*, 2 (3): 108-85. .[In Persian]
- Baba Miri et al. (2011), "Social & Psychological Factors Influencing the Use of Cosmetics by Female Students", *Dermatology & Cosmetics*, 2 (4): 202-193. .[In Persian]
- Badani F et al. (2000), "Studying the Relationship between Lifestyle & Depression & Anxiety in Sabzevar Students", *Journal of Sabzevar University of Medical Sciences (Asrar)*, 7 (2 (16)): 27-37. .[In Persian]
- Ebrahimi G & Ziapor A (2012), "The Sociological Study of the Impact of Cultural Capital on Body Management (An Empirical Study of Youth in Guilan West)", *Applied Sociology (Isfahan University of Humanities Research Journal)*, 23 (1 (45)) : 125-148.[In Persian]
- Ebrahimi GH & Behnoohi Gadne A. (2010), "Cultural Capital, Appearance & Youth Management (Babolsar Girls & Boys Study)", *Women in Development & Politics (Women's Research)*, 8 (3 (30)):

153- 176. [In Persian]

Farhad Maryam & Fortress of Farhad (۲۰۰۴), "Personality Characteristics of Cosmetic Surgery Volunteers, Iranian Journal of Psychiatry & Clinical Psychology (Thought & Behavior), ۹(۴(۳۶)): ۱۱-۱۷. [In Persian]

Fatemi A & Akhlasi E (۲۰۰۸), "Body Management & its Relationship with Social Acceptance (Case Study of Shiraz Women)", Strategic Studies in Women (Women's Book), ۱۱(۴)(Girls Issues): ۹-۴۲. [In Persian]

Golparvar M et al. (۲۰۰۷), "The Relationship between Overweight & Self-Confidence, Depression, Lifestyle, & Physical Self-Concepts in Self-Reporting Women in Weight Loss Centers", Applied Psychology Research, ۹(۳۲): ۱۲۱-۱۴۴. [In Persian]

Hamidi N & Faraji M (2007), "Women's Lifestyle & Coverage in Tehran", Cultural Research, 1 (1): 65-92. [In Persian]

Helimati & Mokhtari Miriam (۲۰۱۱), "The Role of Gender Attitudes in the Generation of Women's Physical Imagination (Case Study: Women undergoing cosmetic surgery in Shiraz)", Women in Development & Politics, ۹(۳): ۶۷-۸۷. [In Persian]

Helimati A & Mokhtari M (۲۰۰۹), "The Basic Theory of Childhood Socialization & Women's Imagination: A Study of Women Undergoing Rhinoplasty in Shiraz", Social Psychological Studies in Women (Women's Studies), ۷(۱(۱) ۱۹): ۷۲-۳۰. [In Persian]

Heydari A & Alipour Khodadadi Sh (2012), "Comparison of Social Anxiety & Physical Image Concern among Male & Female Students", New Findings in Psychology, 7 (22): 83-95. [In Persian]

Heydari Zorodeh M & Kermani M (2010), "The Relationship between Aesthetic Beliefs & Body Image & Manifestation in Youth (Case Study: 18-30 year-old youth residing in Mashhad)", Iranian Journal of Social Studies, 4 (4). [In Persian]

Hosseini M & et al. (2012), "Investigation of Correlation between Family Functioning Dimensions & Self-Concept of Smoking Male Adolescents in Zanjan", Health Promotion Management, 1 (4): 61-68. [In Persian]

Hosseinian S (2005), "A Study & Comparison of Elusive & Normal Adolescent Girl & Male Adolescents", Psychological Studies, 1 (3-2): 73-82. [In Persian]

Jajlo N & Babapour J (2013), "Psychological Correlates of Body Weight: Can Weight & Obesity Be Predicted from Psychological Properties?" Monitoring, 12 (2): 177-182. [In Persian]

Keyvanara M et al. (۲۰۱۰), "Social Stratification & Body Modification: Cosmetic Surgery as a Symbol of Social Status", Strategic Studies in Women (Women's Book), ۱۲(۴۷(Social Group)): ۹۸-۷۳. [In Persian]

Khaje Noori B & et al. (2011), "Life & Body Management", Sociology of Women (Women & Society), 2 (4 (8)): 21-47. [In Persian]

Khajeh Nouri B et al. (2012), "Tendency to Hijab & Different Lifestyles of Shiraz Women Case Study", Applied Sociology, 23 (47 (3)): 141-166. [In Persian]

Khan Dizaji AH (2011), "A Critical Approach to Sociological Theses in Iran", Culture Strategy, 4 (14-15). [In Persian]

Khanjani Zeinab & et al. (2012), "Assessment & Comparison of Mental Status & Body Image of Cosmetic Surgery Applicants with Non-Applicants", Journal of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences & Health Services, Yazd, 20 (2 (83)): 237-248. [In Persian]

Mahdi SMS , Abbasi AA(۲۰۱۰), "Investigating the Tendency to Body Management & Body Control & Its Affecting Factors", Sociology of Youth Studies, ۱(۱): ۱۳۱-۱۴۴. [In Persian]

Mahmoudian H & Rezaei M (۲۰۱۲), "Women & Low-Practitioner Case Study of Kurdish Women", Strategic Studies in Women (Women's Book), ۱۴(۵۵(Social Group)): ۱۷۳-۲۲۵. [In Persian]

Masoudzadeh A et al. (۲۰۰۹), "Comparison of Personality Patterns & General Health Status of Rhinoplasty & Control Group Applicants", Daneshvar, ۱۶(۸۲): ۵۳-۵۸. [In Persian]

Mohab N et al. (۲۰۰۹), "Comparative Study of Personality Disorders Among Taliban Cosmetic Surgery & Normal People", Women & Family Studies, ۱(۳): ۹۱-۱۰۶. [In Persian]

Mohammad S (2008), "Youth, Body & Culture of Fitness", Iranian Cultural Research, 1 (1 (1)): 117-142. [In Persian]

Mohammadi N & Sajjadinejad M S (۲۰۰۷), "Evaluation of Psychometric Indicators of Body Image Concerns Questionnaire & Body Mass Index Relationship Model Test, Body Image Satisfaction & Self Esteem in Adolescent Girls", Psychological Studies, ۳(۱): ۸۳-۹۹. [In Persian]

Mohammadpanah A & Yousefi R (۲۰۱۱), "Investigating Beliefs about the Look & Feelings of Older People in Cosmetic Surgery Volunteers", Skin & Beauty, ۲(۲): ۸۵-۹۷. [In Persian]

Mohid M et al. (۲۰۱۰), "Media, Gender & Consumerism: A Study of the Relationship between

Mass Media Use & Consumer Tendency in Young Girls & Boys in Shiraz", *Strategic Studies in Women (Women's Book)*, ۱۲(۴۷(Social group): ۷-۴۰. [In Persian]

Momeni F & Amiri Sh (۲۰۰۷), "Investigating the Relationship between Parenting Parenting Styles & the Symptoms of Mental Anorexia in ۱۴-۱۷Years Old Girls in Isfahan", *Family Research Quarterly*, ۳(۱۲): ۷۷۵-۷۸۹. [In Persian]

Mousavi Zadeh SM et al. (۲۰۰۹), "Evaluation of Female Patients' Tendencies & Intentions in Cosmetic Surgery", *Researcher (Research Journal of Shahid Beheshti University of Medical Sciences)*, ۱۴(۶(۷۲)), ۱-۶. [In Persian]

Noghani M et al. (2010), "Social Factors Affecting Women's Cosmetic Surgery", *Socio-Psychological Studies in Women (Women's Studies)*, 8 (4 (26)): 75-101. [In Persian]

Parastesh Sh & Behnooye Gadne A (2008), "A Sociological Study of Managing the Appearance & Individual Identity among Youth (Case Study of Babolsar)", *Social Sciences (Faculty of Literature & Humanities, Mashhad)*, 5 (2): 19- 49. [In Persian]

Pasha Gh& et al. (2008), "Comparison of body image, body mass index, general health & self-concept between cosmetic surgeons, cosmetic surgery applicants & normal people in Behbahan city", *New Findings in Psychology*, 2 (7): 61-80. [In Persian]

PourAghajan Sh & et al. (2008), "Investigating the Level of My Evolution & Tendency to Cosmetic Surgery", *Journal of Behavioral Sciences*, 2 (1): 43-50. [In Persian]

Rabri M et al. (2011), "The Effectiveness of Group Cognitive-Behavior Therapy on Self-Impression & Physical Image of Burnt Women", *Journal of Qazvin University of Medical Sciences*, 15 (4 (61)): 46-52. [In Persian]

Rafat Jah Maryam (2011), "Leisure & Cultural Values", *Iranian Cultural Research*, 4 (1 (13)): 151-190. [In Persian]

Raqibi M & Minakhani Gh (2011), "The Relationship between Body Management & Body Image & Self-Concept", *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 12 (4 (46)): 72-81. [In Persian]

Reagan N et al. (2006), "Evaluation of the effectiveness of Cognitive-Behavioral Therapy based on 8-Step Cache Model on Negative Physical Image of Student Girls", *Daneshvar Behavior*, 13 (19 (esp. Psychology 7)): 11-22. [In Persian]

Rezaei A et al. (2010), "Body Management & its Relationship with Social Factors Among Girls in Maz&aran University", *Strategic Studies in Women (Women's Book)*, 12 (47 (Social Group)): 141-170. [In Persian]

Safavi M et al. (۲۰۰۹), "Assessment of body image & its relation with eating disorders in female students of Islamic Azad University, Tehran Branch," *Islamic Azad University Medical Journal*, ۱۹(۲ (۵۶)): ۱۲۹- ۱۳۴. [In Persian]

Saran et al. (2010), "The Effect of Aerobic Exercise on Women's Attitude toward Body Image", *Rehabilitation*, 11 (2 (42)): 15-20. [In Persian]

Sarokhani B & Rafat Jah M (2004), "Sociological Factors Affecting the Redefinition of Women's Social Identity", *Women in Development & Politics (Women's Research)*, 2 (1): 71-91. [In Persian]

Shafakhakah M & Maratieh M (۲۰۰۹), "Evaluation of Nutrition & Attitude toward Nutrition in Nursing & Midwifery Students of Fatemeh Nursing & Midwifery School of Shiraz", *Nursing Research*, ۴(۱۳-۱۳): ۷۱-۸۰. [In Persian]

Shafi'i Majid et al. (۲۰۱۰), "Investigating the Impact of Lifestyle on Social Identity (Case Study of Babylonians, ۱۵-۲۹years old)", *Social Research*, ۳(۹): ۱۱۷-۱۳۹

Sheikholeslami R & Latifian M (۲۰۰۲), "Investigating the Relationship between Self-Concept Dimensions & Public Health & its Components in Shiraz University Students", *Journal of Cognitive Sciences*, ۴(۱(۱۳)): ۶-۱۶. [In Persian]

Siddhotoonchi SJ et al. (2007), "Relationship between Psychological Symptoms & Postoperative Rhinoplasty Satisfaction", *Medical Journal of Tabriz University of Medical Sciences*, 292): 71-76. [In Persian]

Skendernejad M (2013), "Correlation of Physical Image Perception & Physical Activity in Men & Women with Different Levels of Body Mass Index", *Health Promotion Management*, 2 (2 (6)): 70-59. [In Persian]

Tavassoli Gh A & Modiri F (2012), "Investigating Women's Tendency to Cosmetic Surgery in Tehran", *Socio-Psychological Studies in Women (Women's Studies)*, 10 (1 (30)): 61-80. [In Persian]

Younis SJ & Salusheq A (2001), "Body Image in Fertile & Infertile Women, Fertility & Infertility", *JOURNAL OF REPRODUCTION & INFERTILITY*, 2 (4 (8) Special on Infertility Psychology): 14-21. [In Persian]

Zarei M et al. (2011), "Obesity & Weight Loss & their Relationship with Physical Activity & Diet Patterns in 14-14 Year Old Male Adolescents in Sabzevar", *Payesh*, 10 (2): 243-253. [In Persian]

Zohrevand R (۲۰۰۴), "The Relationship between Perceptions of Gender Roles & Female Satisfaction in Development & Politics (Women's Research)", ۲(۲): ۱۱۷-۱۲۵. [In Persian]



Hossein Pour Rendy, E., Abbas Zadeh, M., Alizadeh Aghdam, M. B., & Hayati, S. (2024). Sociological Study of the Interventionist Role of Social Capital in Influencing the Perception of the Right to the City Through Good Governance (Case study: People Aged 20 and Above Among Old Citizens of Maku City). *Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences*, 21(4), 273-299. doi:10.22067/social.2024.90065.1564

Padashi Asl, K., Abbaszadeh, M., & Aghayari, T. (2024). Qualitative study of background factors facilitating women's migration to the United States; Case study of Iranian women migrants in Boston universities %J *Interdisciplinary Studies in the Humanities*. 16(3), 109-136. doi:10.22035/isih.2024.5069.4873